

دانشگاه شهید چمران اهواز  
معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی  
طرح درس ویژه درس‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه

نام و نام خانوادگی استاد: معصومه باقری	مرتبه علمی: دانشیار	آدرس ایمیل: m.bagheri@scu.ac.ir
دانشکده: اقتصاد و علوم اجتماعی	گروه: علوم اجتماعی	نیمسال تحصیلی: دوم ۱۳۹۹
دوره تحصیلی: دکترا	نام درس: جامعه شناسی زنان	تعداد واحد: ۲
<p><b>جایگاه درس در برنامه درسی دوره:</b>          درس جامعه زنان بعنوان یکی از دروس اصلی به وضعیت و موقعیت زنان در جامعه میپردازد و مشارکت، اشتغال و جایگاه زنان را جامعه مورد توجه قرار میدهد</p>		
<p><b>هدف کلی:</b>          آشنایی با جایگاه و وضعیت زنان و نظریه های مرتبط با آن در زمان حاضر و موقعیت آنها تحصیلات، اشتغال، مدیریت، و خانواده را در شرایط موجود در جامعه مورد بررسی و مطالعه قرار میدهد.</p>		
<p><b>اهداف یادگیری:</b>          از دانشجویان انتظار میرود پس از گذراندن این درس در مقطع دکترا بتوانند به مباحثه و تحلیل پیرامون چگونگی وضعیت زنان در ایران و جهان بپردازند.</p> <p>کنکاش در سیر تحول رویکردهای نظری در خصوص زنان و شناخت تاثیر اقتصاد بر شکل گیری ارتقای موقعیت زنان و مباحثه و مناظره برخی از نظریات و تعارضات در دگرگونی افکار در مورد زنان در جهان و ایران و راهکارهای احتمالی برای بررسی های ژرفایی موقعیت و یا تبعیض در مورد زنان در ساختارهای اجتماعی را در اختیار دانشجویان قرار میدهد</p>		

### رفتار ورودی:

برای یادگیری بهتر این درس انتظار می‌رود دانشجویان پیش از شروع این درس و بعنوان پیش زمینه، با نظریه‌ها و وضعیت ساختاری زنان و مبنای اولیه نظریه‌های اجتماعی در این خصوص، مطالعاتی اولیه و آشنایی لازم را داشته باشند تا به فهم بهتر نظریه‌های فمینیستی و سایر نظریه در این مورد اشراف بهتری دست یابند.

### مواد و امکانات آموزشی:

کتاب، طرحها، مقالات، ویدیو پروژکتور، تحقیقات پیشین،

کتاب فارسی و انگلیسی معتبر در این زمینه انحرافات اجتماعی

مقالات معتبر فارسی و انگلیسی در این خصوص

ارائه از طریق آنلاین و ویدیو پروژکتور ...

### روش تدریس:

برای یادگیری بهتر این درس از روشهای متنوعی چون پرسش و پاسخ،

مباحثه گروهی، ارائه سمینارها، ایجاد فضای گفتگویی

و روش مستقیم تدریس و

همچنین ارائه توسط خود دانشجویان جهت مشارکت کردن آنها در فعالیت‌ها

و آماده سازی آنها برای دفاعیه‌های لازم در این مقطع تحصیلی

تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی مطالب مطروحه با موضوعات روزمره جامعه و چالش‌های اجتماعی

## وظایف دانشجو:

- مشارکت فعال در جلسات
- ارائه کنفرانس در مورد هر یک از موضوعات انتخابی با استفاده از پاور پوینت به صورت جامع
- ارسال پاورپوینت با تهیه رئوس مطالب و تکثیر آن و ارزیابی علمی و عملی نظریه ها
- مطالعه منابع درس برای هر جلسه و جمع بندی و نتیجه گیری از مطالب ارائه شده
- طرح پرسش ها از ارائه دهندگان بر اساس مطالعات صورت گرفته
- ارائه پاسخ های لازم به پرسش های احتمالی و تدوین گزارش نهایی تحقیقی که دانشجو باید با رعایت اصول تحقیق
- مشارکت در غنای مباحث ارائه شده بر اساس مطالعات صورت گرفته
- ارائه دیدگاه های نوآورانه در چهارچوب مباحث مطرح شده بر اساس مطالعات صورت گرفته
- نقد مباحث ارائه شده بر اساس مطالعات صورت گرفته
- مطالعه منابع اصلی در مورد سایر موضوعات
- شرکت در ارزیابی پایانی بر اساس مباحث ارائه شده در کلاس و منابع اصلی درس

## شیوه آزمون و ارزیابی:

- ۱- فعالیت فردی و گروهی دانشجویان از بین نظریه های ارائه شده، دو مورد را انتخاب کرده و باید در زمان تعیین شدن نسبت به معرفی و ارزیابی آنها در قالب فصل بندهای معرفی شده و بصورت کنفرانس کلاسی اقدام نماید. گزارش مکتوب این کنفرانس در قالب یک گزارش علمی با لحاظ تمام اصول تدوین یک گزارش علمی باید در آخرین جلسه تحویل گردد. مجموع نمره کنفرانس و گزارش مکتوب ۷ نمره خواهد بود.
- ۲- مشارکت در مباحث کلاسی و حضور بموقع در کلاس ۲ نمره
- ۳- آزمون کتبی، آزمون از مباحث مطروح در کلاس و جزوه ای که در آخرین جلسه در اختیار دانشجویان قرار میگیرد به عمل خواهد آمد. این آزمون به صورت تشریحی و تحلیلی خواهد بود. نمره این آزمون ۱۱ نمره خواهد بود.

## منابع درس:

- هال، استوارت (۱۳۹۱) معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی، ترجمه احمد گل محمدی، نشر نی
- عاملی، سعید رضا (۱۳۹۶)، خانواده مسلمان و فضای مجازی
- ابوت، پاملا، والاس، کلر. مترجم منیره نجم عراقی (۱۳۸۲) جامعه شناسی زنان، تهران، انتشارات نی.
- گیلنز، آنتونی (۱۳۹۰) پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز
- سفیری، خدیجه. (۱۳۸۵) جامعه شناسی جنسیت، تهران، انتشارات جامعه شناسان.
- گرت، استفانی. مترجم کتابون بقایی (۱۳۸۷) جامعه شناسی جنسیت، انتشارات دیگر.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۱) نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا

محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۴) بررسی حقوق قهقی خانواده: نکاح و انحلال آن، مواد ۱۰۳۴ تا ۱۱۵۷ قانون مدنی. نشر علوم اسلامی.

مهریزی، مهدی نظام شخصیت و حقوق زن در اسلام (۱۳۸۶). تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زیبایی نژاد، محمدرضا، سبحانی، محمد تقی (۱۳۹۱) درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۵)، فکرم نظری در جامعه شناسی، ترجمه گروه مترجمان، نشر تابان، تهران

ریتزر، جرج (۱۳۷۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.

ریتزر، جرج (۱۳۹۰) نظریه جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، نشر جامعه شناسان

کریاب، یان (۱۳۸۶)، نظریه اجتماعی مدرن، ترجمه شهناز مسمی پرست، نشر آگه، تهران

ادیبی، حسین و عبدالمعوض انصاری (۱۳۸۷)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، نشر داتزه، تهران

بونویتر، پاتریس (۱۳۹۰) درس‌هایی از جامعه‌شناسی پی‌یر بوردیو، ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفیر، نشر آگه

تنهایی، حسین ابوالحسن، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات مرندیز تهران،

گیلنز، آنتونی (۱۳۷۹) جهان رها شده: گفتارهایی درباره پدیده یکپارچگی جهانی، ترجمه علی اصغر سعیدی، یوسف حاجی عبدالوهاب، علم و ادب،

گیلنز، آنتونی (۱۳۸۸) چشم‌اندازهای جهانی، محمدرضا جلالی‌پور، طرح نو

هولمز، مری. مترجم محمد مهدی لیبی (۱۳۸۹) جنسیت و زندگی روزمره، تهران: انتشارات شرکت نشر نقد افکار.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۱) جنسیت و نفس، قم، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان حوزه علمیه قم.

بستان نجفی، حسین (۱۳۸۶) نابرابری جنسیت از دیدگاه اسلام و فمینیسم، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

بردلی، هربرت. مترجم محمود متحد (۱۳۹۲) درآمدی بر فهم جامعه مدرن: دگرگونی ساختارهای اجتماعی: طبقه و جنسیت. تهران، انتشارات آگه.

گروس، سعیده (۱۳۸۹) جنسیت، جامعه و جامعه شناسی، تهران، انتشارات جامعه شناسان.

بستان نجفی، حسین (۱۳۹۱) جامعه شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مرکز نشر هاجر.

محمدی اصل، عباس (۱۳۸۶) جنسیت و مشارکت، درآمدی بر جامعه شناسی مشارکت سیاسی زنان ایرانی، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

هاشم زاده هریسی، هاشم (۱۳۸۹) آیات زن در قرآن، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حسینی اکبرنژاد، هاله (۱۳۹۱) زن در قرآن، انتشارات نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.

جین هولمز، زن در ادیان بزرگ جهان

Byerly, C. M. and Ross, k. (2006) Women and Media: a critical introduction, Oxford, Blackwell

Carter, C and et al. (2014) The Routledge Companion to media and gender, Oxford, Routledg

همکاران ارجمند می‌توانند برای آگاهی بیشتر درباره روش‌ها و فنون تدریس و به‌ویژه روش تهیه طرح درس، نگاه کنند به: حسن شعبانی، مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس)، ۲ جلد، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۹۰.

## هفته یکم

### نقد جامعه شناسی مردانه

جامعه شناسی علمی است زیر سلطه ی مردان که این واقعیت در نظریه ها، روشها، تحقیقات و آموزش بچشم میخورد و باوجود انتقادهایی که در این دو دهه اخیر به پیش داوری ها و جانبداریهای مردانه صورت گرفته تغییر چندانی در این علم بوجود نیامده است. و اگر چه تعداد ورودیهای زنان به درس جامعه شناسی افزایش یافته ولی هنوز مدرسان مرد در اکثریت هستند و زنان هنوز از احراز مناصب بالا در این رشته محروم هستند و از سوی دیگر به آنها جامعه شناسی مردانه میاموزند بدین معنی که دانشی را القا میکنند که در توجیه جایگاه فرودست زنان در ساختار اجتماعی بریتانیا نقش مهمی دارد.

به گفته آن اگلی:

جانبداری مردانه بر پیکره ی علم جامعه شناسی چنان سایه میاندازد که نادیده گرفتن زنان در آن تنها نقصی سطحی نیست بلکه بینش مردانه ای است که در ساختار آن ریشه دوانده است. توجه به مردان که به تعاریف نیز راه پیدا کرده است، از همان ابتدا زنان را به موضوعی حاشیه ای تبدیل میکند. با این حال تغییراتی رخ داده است، جامعه شناسان دیگر نمیتوانند زنان و تقسیمات جنسیتی را نادیده بگیرند و بحث و جدالهایی بر سر تغییرات لازم برای چیرگی بر این جانبداریهای مردانه در گرفته است.

## هفته دوم

# توزیع نامساوی قدرت و نظریه تضاد در مورد زنان

مدل فمینیستی، خشونت را به عنوان یک رویه‌ی مالکیتی و قدرتی می‌داند که مبتنی بر جنسیت است. از نظر فمینیستها زندگی زنانشویی چنان ساختار یافته است که شوهر نسبت به همسر از قدرت بیشتری برخوردار است مردان نان‌آور خانواده بوده و زنان مسئول نگهداری بچه‌ها و خانه‌داری بوده و از قدرت چانه‌زنی مشابهی نسبت به شوهرانشان برخوردار نیستند. از نظر آنها تفاوتها و امتیازات معین زنان و مردان نه ذاتی و نه کارکردی است، بلکه دارای ساختی اجتماعی است و قدرت مردان را در خانواده و جامعه حفظ می‌کند. آر. ای داباش و آر. دی داباش (۱۹۷۹) نیز معتقدند که در نظام مردسالاری زنان به صورت نظام یافته و از طریق به کارگیری خشونت‌های بدنی در موقعیت فرودستی نگاه داشته شده و می‌شوند. از دید آنان علت بی‌قدرتی نسبی زنان در روابط خانوادگی، بی‌ارزش شمردن فعالیتهای تولیدی و بازتولیدی زنان در جامعه و خانواده، همچنین تأیید و مقدس دانستن اقتدار مردان در روابط بین زن و شوهر است. این دو عالم سبب می‌شود که زنان در خانواده نسبت به مردان از قدرت کمتری برخوردار باشند؛ چنانکه پس از ازدواج نظارت مردان بر محدوده تحرک زنان آغاز می‌شود و برای این امر از خشونت جسمانی و انواع دیگر کمک گرفته می‌شود.

توزیع نامساوی قدرت بین زن و مرد را از محورهای اصلی نابرابری جنسی در خانواده دانسته اند. صاحب نظران متأخر بر جنبه های پنهان قدرت نیز که با تضاد منافع افراد قدرتمند و افراد تحت قدرت ارتباط می‌یابند، تأکید کرده اند. این جنبه های پنهان معمولاً هنگامی آشکار می‌شوند که افراد تحت سلطه، امیال و خواسته های خود را بیان کنند به هر تقدیر، از آنجا که تقریباً در تمامی جوامع شناخته شده، موازنه قدرت چه در خانواده و چه در محیط اجتماعی به نفع مردان رقم خورده است، واژه پدرسالاری از اهمیت ویژه ای در این بحث برخوردار خواهد بود.

## هفته سوم

### نگرش جنسی

نگرش‌های جنسی در دو دسته‌ی بزرگ ذات‌گرا و عقل‌باور جای می‌گیرد. ذات‌گرایان معتقد به ذات و هستی ویژه‌ی دو جنس، و فضای کاملاً مشترک زنانه، و نیز خواهان برقراری اخلاق جدید در روابط بین دو جنس می‌باشند. در مقابل عقل‌باوران، تفاوت‌های مشاهده شده در بین دو جنس را نه از ویژگی‌های زیستی، بلکه ناشی از جامعه‌پذیری و تربیت خاص دو جنس دانسته و خواهان برابری در یکسانی و دستیابی به فضاهای مشترک برای دو جنس می‌باشند. بر اساس دیدگاه عقل‌باوران، نگرش ساخت ذهنی مخفی در شخصیت است، و آن را می‌توان آمادگی ویژه‌ی فرد از نظر روانی در رویارویی با پدیده‌ها، مسائل و وقایع، و بروز عکس‌العمل توأم با هیجان نسبت به آن‌ها دانست. نگرش‌های افراد ناشی از گذشته آن‌ها و تجربیات مختلف زندگی است و همان‌طور که روانشناسان اجتماعی اشاره می‌کنند از سه عنصر تشکیل شده است که عبارتند از: عنصر عاطفی یا احساسات، عنصر شناختی یا عقاید و عنصر رفتاری یا قصد و آمادگی برای اقدام. بدیهی است که این عناصر به گونه‌ای منفرد وجود ندارد و همیشه مستقل عمل نمی‌کنند. نگرش، آمیزه یا نقشی درهم‌آمیخته از احساسات، ادراکات، و تمایلات رفتاری یک شخص درباره‌ی یک چیز، شخص یا گروه، یک واقعه، یک اندیشه، یا واقعیات و امور مشابه دیگر است. اصولاً نگرش شدت و ضعف دارد. صفت شدت و ضعف در شناخت نگرش‌ها و پیش‌بینی رفتار، نقش بسیار مهمی دارد

## هفته چهارم

### ایدئولوژی جنسیتی

به طور کلی ایدئولوژی جنسیتی نظامی از ایده‌ها، باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و دسته‌بندی‌هاست که اشخاص، (گروه‌ها یا جامعه به طور کلی با ارجاع به آن، جهان پیرامون خود را تعریف و تفسیر می‌نمایند. (اکتار، ۲۰۰۱: ۳۱۳)

ویلیامز و بست ایدئولوژی نقش جنسیتی را به عنوان باورهای فردی در مورد ارتباطات نقش مناسب میان زن و مرد تعریف می‌کنند. در همه جوامع انسانی زنان و مردان به ناگزیر روابط متقابلی با یکدیگر دارند و روزانه در برابر یکدیگر به کنش می‌پردازند. هر جامعه دیدگاه خاصی در مورد شیوه‌های ویژه ارتباط زن و مرد با یکدیگر دارد. این نظام باورها گاهی اوقات خاص و مشخص هستند و در برخی موارد عام و نامشخص می‌باشند. اما به طور کلی همه جوامع ارائه این نظام باورها در خصوص شیوه‌های رابطه زن و مرد را ضروری تلقی می‌کند به این ترتیب جوامع مختلف بر اساس این نظام باورها شیوه‌های رفتاری و هنجاری ارتباط زن و مرد در همه حیطه‌های زندگی اجتماعی را فراهم می‌آورد که مسلماً هر نوع سرپیچی و نافرمانی از این هنجارها مستوجب مجازات و طرد می‌باشد (ویلیامز و بست، ۱۹۹۰: ۸۷).

## هفته پنجم

# زن از دیدگاه ادیان (اسلام، یهودیت، مسیحیت، بودایسم هندوئیسم)

زن در طول تاریخ همواره مورد ظلم ها و تبعیض ها قرار گرفته و سختی های زیادی را متحمل شده است. نگاهی به تاریخ بر ما روشن می سازد که زن در بعضی جوامع، حقیر و پست شمرده می شده و حتی زنده ماندن او برای پدر خانواده ننگ و عار به شمار می آمده است. در این جوامع، زن حرمت و کرامتی نداشت. ولی در جوامعی دیگر، مورد احترام و دارای ارزش بوده است.

زن و جایگاه و حقوق زن به عنوان نیمی از پیکره بشریت و بدنه جامعه انسانی، به همان اندازه قابل بررسی و ژرف نگری است که انسان، شایسته شناخت و بررسی است. هر گونه تحلیل و بررسی ابعاد وجودی زن - منهای ویژگیهای صنفی و جنسی - در واقع، تحلیل حیات انسان به شمار می آید. در واقع شناخت زن و منزلت و مقام او، شناخت انسان و کرامت او است. بررسی احوال زن و بررسی ابعاد حیات این بخش از جامعه انسانی، گامی در راستای انسان شناسی است. تحلیل و شناخت هویت زن و آشنایی با مقام و عظمت روحی و عواطف ملکوتی او و همچنین حقوق انسانی و طبیعی او از جمله مسائل مهم است که باید همه آنها شناخته و معرفی شود. به طور کلی هویت زن، هویت جامعه است و در واقع برای زن ارزش قائل شدن، ارزش قائل شدن برای تمام افراد جامعه است.

سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که نحوه نگرش این ادیان نسبت به زن چگونه است؟

## هفته هشتم

# نظریه های نابرابری جنسی و نظریه کنش متقابل نمادین

جایگاه زنان در بیشتر موقعیت‌ها نه تنها متفاوت از جایگاه مردان بلکه از آن کم‌بهرتر و با آن نابرابر است. چهار مضمون، شاخص نظریه‌های نابرابری جنسی می‌باشند:

1- زنان و مردان نه تنها موقعیت‌های متفاوتی در جامعه دارند بلکه در موقعیت‌های نابرابری نیز قرار گرفته‌اند. زنان در مقایسه با مردانی که در همان جایگاه اجتماعی زنان جای دارند از منابع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصت‌های تحقق نفس کمتری برخوردارند.

2- این نابرابری از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد و از هیچ‌گونه تفاوت مهم زیست‌شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان ناشی نمی‌شود.

3- هرچند افراد انسانی ممکن است از نظر استعدادها و ویژگی‌هایشان با یکدیگر تفاوت داشته باشند. اما هیچ‌گونه الگوی تفاوت طبیعی مهمی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز سازد. نابرابری جنسی که زنان در مقایسه با مردان از قدرت کمتری برای برآوردن نیاز به تحقق نفس برخوردارند در حالیکه هر دو در این نیاز سهیم هستند.

4- همه نظریه‌های نابرابری فرض را بر این می‌گیرند و مردان و زنان می‌توانند در برابر ساختارها و موقعیت‌های اجتماعی واکنش از خود نشان می‌دهند. آن‌ها بر این عقیده‌اند که دگرگون ساختن موقعیت زنان امکان‌پذیر است. نظریه پردازان تفاوت جنسی معتقدند تفاوت‌های جنسی با دوام و تنها کمی تغییرپذیرند.

دو گونه عمده نظریه فمینیستی معاصر که بر نابرابری جنسی تأکید دارند و درصدد تبیین آن می‌باشند

## هفته هفتم

### نظریه های کلیشه های جنسیتی

مجموعه ساختار یافته ای از باورها در مورد ویژگی ها و صفات شخصیتی زنان و مردان است (به نقل از گروسی، ۱۳۸۴: ۱۷۳). باور قالبی جنسی از شاخص نگرش منفی نسبت به توانایی ها، صفات و ویژگی های شخصیتی زنان تشکیل شده است. برای ساخت این شاخص از معرف های شخصیتی چون؛ خود کفایی، برتری طلبی، خشونت، احساسات و عواطف، غرور، قدرت تفکر و ... استفاده شده است. برای اندازه گیری این متغیر به پاسخ کاملاً موافق امتیاز ۵، موافق ۴، نظری ندارم ۳، مخالفم ۲ و کاملاً مخالفم ۱ داده می شود.

باورها بیان کننده دانش ما نسبت به موضوع هستند. دانش و اطلاعات ممکن است واقعی یا غیر واقعی، درست یا نادرست و یا تنها نظر شخصی افراد نسبت به موضوع باشند. برخلاف نگرش ها که سه عنصری هستند، باورها به طور مشخص فقط شناختی اند و در همین عنصر با نگرش ها مشارکت دارند. باورهایی که نگرش های متناظر خود را دارند، به احتمال بیشتری به عمل منجر خواهند شد. پاره ای از مولفان (کاجیو و پی، ۱۹۸۰ و بارون و بیرن، ۱۹۹۷) نگرش ها را چکیده باورهای ما دانسته اند (حکیم آرا، ۱۳۸۴: ۱۱۰-۱۱۱).

کلیشه های جنسیتی، تصویر ذهنی یکواخت و قالب بندی شده ای از رفتارهای خاص مربوط به زنان و مردان را بدون آنکه مورد بررسی و آزمون قرار گرفته باشند، ارائه می دهند. کلیشه های جنسیتی از طریق روند جامعه پذیری از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. از نظر آندره میشل، کلیشه های جنسیتی را در چهار دسته کلی «خصوصیات شخصیتی، نقش های مختلف در درون خانواده، نقش های اجتماعی و سیاسی، نقش حرفه ای» می توان جای داد.

### نظریه های باورهای قالبی

باورهای قالبی یکی از پرکاربردترین اصلاحات در جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی است. فرهنگ و بستر باورهای قالبی را این چنین تعریف می کند: یک تصویر ذهنی استاندارد نشده که بین اعضای یک گروه مشترک است. باورهای قالبی نشانگر عقاید بسیار ساده شده نگرش های احساسی و قضاوت های انتقاد ناپذیری است در این تعریف اشاره مستقیم به نگارش های منفی نسبت به گروه هدف نشده است. این اصطلاح برای اولین بار در سال ۱۹۹۸ وضع شد و معنای اصلی آن قالب فلزی برای شکل دادن به چیزهای مختلف بود این واژه از ترکیب دو کلمه یونانی استروس و توپوس به معنای نظریات سخت و غیر قابل تغییر تشکیل شده است (لی نیز و همکاران، ۱۹۹۴: ۹). باورهای قالبی جنسی از عوامل فرهنگی مرتبط با نابرابری جنسی می باشند و در این بخش به مرور تعدادی از نظریات مربوط به آنها می پردازیم.

## هفته هشتم

### نظریه‌های فمینیستی

عمده تئوری‌های جنسیتی در قالب نظریه‌های فمینیستی وجود دارد. فمینیسم زنان را صرفاً در وضع زیان‌دیده و نامساعدی که به شیوه‌های جداگانه و بی‌ارتباط بر آن‌ها اعمال شده باشد نمی‌بیند. نقطه شروع آن، این اصل است که ستم به زنان و بهره‌کشی از آن‌ها امری سیستماتیک و گسترده بوده است. منبع این ستم، پدرسالاری، یعنی نظام حاکمیت مردان بر زنان و بی‌اعتبار کردن منافع جمعی زنان است. به طور کلی نظریه‌های نابرابری فمینیستی چهار مضمون اصلی دارد، که از این قرار است:

1- زنان و مردان نه تنها موقعیت‌های متفاوتی در جامعه دارند، بلکه در موقعیت‌های نابرابری نیز قرار گرفته‌اند (مقایسه جایگاه اجتماعی زنان و مردان و منابع مادی منزلتی و.....)

2- نابرابری از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد (نه تفاوت‌های زیستی)

3- هیچ‌الگوی تفاوت طبیعی مهمی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز سازد.

4- دگرگون ساختن موقعیت‌های زنان امکان‌پذیر است. از این‌رو با توجه به این مضامین، تئوری‌های لیبرالی و مارکسیستی

می‌تواند تبیین‌گر نابرابری‌ها بر مبنای تعریفی که مدنظر ماست، باشد (ریترز، ۱۳۸۷: ۴۷۳-۴۷۴).

از آنجا که فمینیسم به شاخه‌ها و جریان‌های متعددی تقسیم می‌شود نمی‌توان به فمینیسم واحد و اصول مشترک و عام در بین آنها قائل بود. در اینجا به اصول اساسی ۳ شاخه‌ی مهم فمینیسم یعنی فمینیسم لیبرال، فمینیسم رادیکال و فمینیسم سوسیالیست-مارکسیستی در باب مسأله نابرابری جنسی.

## هفته نهم

### نظریه قشر بندی جنسی جانت سالتزمن چافتز

چافتز یکی از مهمترین نظریه پردازان فمینیست است که سعی کرده تئینی کاملاً علمی برای قشر بندی جنسی ارائه نماید. نظریه قشر بندی وی ترکیب کاملی از ثبات و تغییر است. چافتز در این نظریه سعی دارد نشان دهد قشر بندی جنسی چگونه بوجود آمده و تداوم می یابد و از سوی دیگر چگونه این نظام در طول زمان دچار تغییر و تحول می شود. در این نظریه دو مولفه ای تداوم نظام و تغییر آن با یکدیگر عجین شده اند. چافتز به دو نوع نیروی اساسی که فشارهای بنیانی و مهم رابه کل نظام قشر بندی تزریق می کنند، اشاره می کند این دو نوع نیرو عبارتند از: الف: نیروهای اجباری ب: نیروهای اختیاری (ترنر، ۱۹۹۸: ۲۳۶).

هر چند چافتز به طور جداگانه درباره این نیروها بحث می کند اما حقیقتاً این نیروها به هم پیوسته اند، عناصر اساسی نیروهای اجباری عبارتند از: تقسیم کار در سطح کلان، تقسیم کار در سطح خرد و تعاریف اجتماعی همچون ایدئولوژی جنسی، هنجار جنسی و باورهای قالبی. به طور کلی این تعاریف به بی ارزش کردن کار زنان چه درون خانه و چه خارج از آن می پردازند. مثلاً کارهای خانگی به لحاظ سستی بدون مزد انجام می شود. این وضعیت به بی ارزش قلمداد کردن کار خانگی زنان منجر می شود. از سوی دیگر مشاغلی که خارج از خانه عمدتاً به عنوان مشاغل زنانه تلقی می شوند، مثل منشی گری، پرستاری و... چون زنانه هستند در مقایسه با مشاغل مردانه دستمزد کمتری به آنها تعلق می گیرد. نظام تعاریف اجتماعی جنسی در نظریه چافتز پایگاه بسیار مهمی دارد. در واقع این نظام تعریفی قطعی اتصال و پیوند سطح کلان و میان فرایندهای اجباری قشر بندی جنسی با سطح خرد فرایندهای اختیاری می باشد (ترنر، ۱۹۹۸: ۲۳۷). پس عناصر اصلی این نظریه عبارتند از: الف: نظام تقسیم کلان کار جامعه ب: تفوق مردانه در دستیابی به منابع قدرت ج: تعاریف اجتماعی برای مقایسه زنان و مردان شامل ایدئولوژی جنسی و باورهای قالبی جنسیتی د: جنسی کردن فرایندهایی که سوگیری ها، انتظارات و رفتارهای زنان و مردان را شکل می دهد.

## هفته دهم

# رویکردهای زیست شناختی، روان شناختی، جامعه شناختی در مورد زنان

تیین های زیست شناختی گاه بر دخالت هورمون های جنسی در سلطه مردان تأکید می کنند. بر حسب این دسته از تیبن ها، هورمون مردانه (تستوسترون) میل به سلطه و کنترل دیگران را شدیداً تحت تأثیر قرار می دهد و چون مردان نسبت به زنان از سطوح بالاتر تستوسترون برخوردارند، به گونه ای سلطه جویانه رفتار می کنند. گاهی نیز برتری مردان بر زنان از حیث قدرت بدنی را منشأ سلطه و اقتدار بیشتر مردان می دانند؛ یعنی از آنجا که مرد آن قدر نیرومند بوده که بتواند زن را به فرمان برداری از خود وادارد، لذا باید طبیعی بدانیم که سهم عمده ای از قدرت را برای خودش حفظ کرده باشد. در این نوع از تیبن ها، تفاوت های جنسی آناتومیک، به ویژه واقعیات مربوط به زایمان و عادت ماهانه به عنوان عوامل مؤثر بر ناتوانی زنان نسبت به مردان، مورد تأکید قرار می گیرند.

فمینیست های رادیکال با تکیه بر تحقیقات انجام شده در دهه ۱۹۷۰ اظهار داشته اند که نیروی بدنی در کنترل زنان، نقشی بسیار مهم تر از آنچه تا کنون تصور می شده، دارد. در همین راستا مری دیلی در کتاب پزشکی زنان، به بیان شیوه های خشن مردان برای سلطه یافتن بر زنان پرداخته و خشونت «طبیعی» مردان را به عنوان عامل تعیین کننده در مردسالاری و ستمدیدیگی زنان معرفی کرده است.

### رویکرد های

گذشته از آن دسته از نظریه های روان شناختی که به تشریح فرایند شکل گیری شخصیت های متفاوت در دختر و پسر پرداخته اند، نظریه های رهبری در روان شناسی اجتماعی می توانند تیبنی در باب اقتدار مردان، در اختیار ما قرار دهند البته برخی ویژگی های حادقلی به عنوان وجه تمایز رهبران از پیروان، مورد تأکید محققان قرار گرفته است.

- 1- برتری شخصی از حیث توانایی هایی که به گروه برای نیل به اهدافش یاری می رسانند؛ مانند هوش، قدرت بدنی و مهارت های ویژه (برای مثال، بهترین بازیکن تیم، خود به خود رهبری تیم را عهده دار می شود)؛
- 2- برتری از حیث مهارت های راجع به تعامل بین شخصی؛
- 3- انگیزش بالاتر برای شناخته شدن و سلطه یافتن با برخورداری از ویژگی هایی مانند بلندپروازی و مسئولیت پذیری.

## هفته یازدهم

### نظریه هییتاس (عادت واره) بوردیو

بوردیو مفهوم هییتاس یا عادت واره را مطرح می کند. از دیدگاه بوردیو «هییتاس سیستم هایی از ساختارهای ساختاربندی شده، بادوام و پذیرفته شده اند که به عنوان ساختارهایی ساختار دهنده عمل می کنند و این به عنوان اصول تولید و ساخت اعمال و بیانات می باشد. هییتاس هم محصول ساختار اجتماعی است و هم مولد ساختار اعمال اجتماعی ای که ساختارهای اجتماعی را بازتولید می کنند. به نظر می رسد که واژه ی منش برای بیان چیزهایی که مفهوم عادتواره (تعریف شده به عنوان سیستمی از منش ها) را پوشش می دهد مناسب باشد.

### عادتواره بوردیویی ، نظم اخلاقی دور کیمی است

لوئیس مدعی می شود که هییتاس بوردیو همان نظم اخلاقی دور کیم است : او اینچنین توضیح می دهد که: ساختار استدلالی هییتاس شامل مرکزی از اصول اخلاقی و حاشیه ای از قوانین عملی است. اصول اخلاقی، خود را به طور اجتماعی به عنوان مباحث استدلالی در مکالمات روزمره، در رسانه های عمومی، در بحثهای رسمی و همچنین غیر رسمی ، در کتاب های درسی مدرسه ، در آموزه های دینی، قوانین، نوشته های مدرن و باستانی ارائه می کند. و چون اصول اخلاقی کافی نبودند از قواعد عملی برای ایجاد یک نظام اخلاقی کمک گرفته است. این قواعد عملی ( در اندیشیدن، درک، گفتار و کش) به صورت عادتواره گسترش میابد و طوری عمل میکنند گویی این اصول و قواعد اثبات شده اند. در واقع عادتواره یک نظم اخلاقی دور کیمی به معنای کامل است .

بنابراین باورهای مربوط به قدرت زن و مرد و نوع رابطه ی آنها را می توان هییتاس هایی دانست که توسط تجارب گذشته ی افراد شکل گرفته و به تجارب ، اعمال و باورهای اکنون و آینده ی آنها شکل می بخشد.

# هفته دوازدهم

## زنان و بهداشت

فمینیست ها دانش پزشکی را وسیله ای می دانند که تقسیمات جنسی را در جامعه برقرار نگه می دارد .

پزشکی نه تنها نگاه تبعیض گرایانه به زنان دارد بلکه با کلیشه سازی فعالانه و کنترل زنانی که با این نوع نگاه مطابقت نمی کنند، به تقویت و تکثیر آن مدد می رساند .

پزشکان از بیماران مونث خود برداشتی قالبی دارند و از درک ماهیت مشکل زای نقش زن خانه دار عاجزند. زنان بیشتر از مردان به پزشک مراجعه می کنند. بعضی فمینیست ها دلیل آن را طبیعت درگیری های زندگی زنان می دانند. بعضی دیگر از آنان این استنتاج را ساختگی می دانند و معتقدند استفاده زیادتر زنان از خدمات بهداشتی از عواملی غیر از بیمارتر بودن زنان سرچشمه می گیرد .

توجیه گروه اول بدین قرار است:

1. زنان بیش از مردان دچار مشکلات دستگاه تناسلی می شوند .
2. انزوای زنان در حوزه خدمات رایگان خانگی با بالا بودن بروز افسردگی در آنان در ارتباط است .

توجهات گروه دوم

1. مراجعه به پزشک به خاطر دیگران
2. تمایل زنان به تظاهر به بیماری
3. طب زده شدن زایمان طبیعی زنان
۴. عمر بیشتر زنان نسبت به مردان و متعاقبا تعداد بیشتر سالخوردگان در میان آنان

## هفته سیزدهم

### زنان و سیاست

زنان آشکارا از صحنه رسمی «سیاست» در بریتانیا غایب هستند. البته جز مورد خانم مارگارت تاجر

تصور می شود زنان کمتر از مردان توانایی انجام کارهای سیاسی را دارند و کمتر به سیاست علاقه دارند. جامعه شناسی نیز از دیرباز این

دیدگاه عرفی را پذیرفته است.

به عقیده سیلویا والی (۱۹۸۸) در جامعه شناسی سیاسی چهار رویکرد به موضوع جنسیت وجود داشته است:

**1) زنان را با سیاست بی ارتباط دانسته اند و برای رفتارشان نسبت به مردان اصالت کمتری قائل شدند.**

**2) به تصویر تحریف شده ی زنان در جامعه شناسی سیاسی و به ویژه در بررسی انتخابات انتقاد شده است.**

**3) بررسی های فمینیستی درباره فعالیت سیاسی زنان انجام شده است.**

**4) سیاست ورزی جنسی مورد تحلیل قرار گرفته و علاوه بر فعالیت سیاسی زنان به مقاومت مردسالاری پرداخته شده است.**

و رویکردی که پیشنهاد می شود: تحلیل نقش دولت در خلق و حفظ خانواده ی هسته ای و نقش زن در مقام همسر و مادر.

## هفته چهاردهم

### تولید دانش فمینیستی

جامعه‌شناسی، زنان را نادیده گرفته، تصویر کز دیسه‌ای از زنان به دست داده یا آنان را در حاشیه دیده است. و این تنها به دلیل حذف زنان از نمونه‌های پژوهشی نیست بلکه نتیجه پیش‌داوری‌های و ناکارآمدی‌های نظام‌مندی است که در نظریه‌های مردمحورانه نیز رایج است. جامعه‌شناسان فمینیستی اعتقاد دارند لازم است نظریه‌های فمینیستی پدید آید، یعنی نظریه‌های که جهان را از دیدگاه زنان تفسیر می‌کنند، نظریه‌های که امکان بازنگری در تقسیم کار جنسی را فراهم کند و مفاهیم تازه‌ای از واقعیت دست دهد که بازتاب منافع و ارزش‌های زنان باشد و بر تعبیری که زنان خود از زندگی خویش دارند تکیه کند.

یکی از کارهای نظریه‌های فمینیستی نقد انتزاع و شمول بیش از اندازه مقولات مردساخته‌ای است که بر سرکوب زنان سرپوش می‌گنارد تجربه‌گرایی فمینیستی: به روش‌های پژوهشی متداول به دلیل مردمحوری آن‌ها انتقاد می‌کند. هدف منطقی این رویکرد ایجاد روش‌های پژوهش غیر جنسی است.

موضع فمینیستی: فمینیست‌های موضع‌گرا می‌گویند کار آنها تولید دانشی درباره‌ی اجتماع است که بسنده یا به اندازه کافی خوب باشد. قصد ایشان اثبات حقایق این ادعاست که یافته‌های تحقیقات آنها بهتر و بسنده‌تر از یافته‌های تحقیقات مردمحورانه یا دیگر پژوهشگران فمینیست است. (فمینیست‌های دانشگاهی)

نسبی‌گرایی فمینیستی: اصولاً چیزی به نام علم فمینیستی نمی‌تواند وجود داشته باشد و کار فمینیست‌های دانشگاهی که از موضع‌گرایی هواداری می‌کنند فقط مطرح کردن حقیقتی تازه است. این فمینیست‌ها نسبت به ادعای وجود دانش کلی عمیقاً تردید دارند و همه مقولات جهان و ساختارهای آن فقط تصورات ذهنی هستند. تنها کار فمینیست پرده برداشتن از داستان‌های متعددی است که زنان گوناگون روایت می‌کنند.

پژوهش‌های فمینیستی باید از بازتابندگی صادقانه برخوردار باشد یعنی شرح پژوهش باید این که پژوهش برای تولید دانش عرضه شده چه رویه‌های را مبنای قرار داده است برای خواننده روشن باشد، و به تجربه پژوهشگر بودن و تجربه فمینیست بودن در هر موقعیت اجتماعی نزدیک شود.

## هفته پانزدهم زنان در اقتصاد و مدیریت نظریه ی سقف شیشه ای و تبعیض جنسیتی

در تمام جوامع بر حسب میزان قدرت و ثروتی که مردم در اختیار دارند، میان آنان تفاوت‌هایی وجود دارند. مبنای لایه‌بندی (یعنی تقسیم‌بندی مردم طبق نظامی سلسله مراتبی) از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. در جوامع بسیار ابتدایی مبنای تقسیمات اجتماعی ممکن است سن و جنسیت باشند؛ در این صورت، افراد مسن‌تر نسبت به جوان‌ترها و مردان نسبت به زنان، از قدرت و اعتبار بیشتری برخوردارند.

در جوامع صنعتی معاصر همچون بریتانیا، جامعه‌شناسان معتقدند لایه‌بندی اصلی بر طبقه اجتماعی استوار است. در حالی که فمینیست‌ها معتقدند که نظام جنس و جنسیت یکی از انواع اصلی لایه‌بندی را به دست می‌دهد که به موجب آن مردان نسبت به زنان از قدرت و اعتبار بیشتری بهره‌مندند. تفاوت‌های نژادی نیز یکی از مبانی اصلی لایه‌بندی است که به موجب آن، سیاه‌پوستان نسبت به سفیدپوستان قدرت و اعتبار کم‌تری دارند. سن نیز اساس نوعی لایه‌بندی است که به موجب آن جوانان و بزرگسالان از افراد گروه‌های سنی میانی قدرت کمتری دارند. همچنین تقسیم بخشی از کشورها به جهان اول و جهان سوم متضمن رابطه استثمار و وابستگی است و یکی از اصول لایه‌بندی را تشکیل می‌دهد.

برخی حضور کم رنگ و یا عدم حضور زنان در سطح عالی مدیریت را به عوامل درونی همچون کمبود اعتماد به نفس یا توانایی آنان ربط می‌دهند، اما برخی دیگر عوامل و موانع بیرونی همچون «سقف شیشه‌ای» را موثر می‌دانند. آنچه که اکنون مشهود است، زنان کماکان در دستیابی به مشاغل عالی رتبه مدیریتی با موانعی روبرو هستند. در حالیکه امروزه تمام رسانه‌ها و تیرها خبری از موفقیت زنان سخن می‌رانند اما واقعیت آماری نشان می‌دهد که زنان هنوز جایگاه خود را در مشاغل مدیریتی پیدا نکرده‌اند و چنین به نظر می‌رسد که زنان هنوز با ذهنیت گذشته و همیشگی خود زندگی می‌کنند و شاید کلیشه‌ها هنوز هم آن‌ها را از پیشرفت باز می‌دارد. به رغم توانمندی زنان و بالا رفتن سطح دانش و آگاهی آن‌ها هنوز سهم ایشان در پست‌های مدیریتی کشور بسیار اندک است. به عبارتی اصطلاح «سقف شیشه‌ای» بیان‌کننده موانع گوناگونی است که مانع ترقی افراد شایسته به سطوح بالاتر در سازمان‌هایشان می‌شود. با اینکه زنان پست‌های مدیریتی فراوانی را در دست دارند اما فقط تعداد اندکی از آنان به سطوح عالی راه یافته‌اند. این اصطلاح که از دهه ۱۹۷۰ در آمریکا شکل گرفت، به مفهوم سطحی است که پس از آن، مدیران زن و سایر اقلیت‌های جامعه امکان ارتقا پیدا نمی‌کنند. در سال ۱۹۸۶ مجله وال استریت اصطلاح جدید «سقف شیشه‌ای» را ساخت تا تصویری از موانع مختلفی که زنان و گروه‌های اقلیت در تلاش برای بهبود وضعیت شغلی خود با آن‌ها روبرو هستند، ارائه دهد.

بر پایه پژوهش‌ها، زنان پس از ورود به سازمان‌ها هم گام با مردان شروع به رشد بالندگی می‌کنند و سطوح گوناگون سازمان را پشت سر می‌گذارند؛ اما هر چه زنان به سطوح بالاتر سازمانی می‌رسند، سرعت رشد و ارتقای آن‌ها کاهش می‌یابد تا جایی که عامل‌هایی نادیدنی آن‌ها را از دستیابی به مشاغل سطح بالای سازمان باز می‌دارد. این عامل‌های نادیدنی را سقف شیشه‌ای می‌نامند.

## هفته شانزدهم

بررسی و گفتمان و نقد موقعیت زنان بر اساس نظریات ارائه شد